

امروز فقط اتحاد

ترجمه نامه رضا پهلوی به پرزیدنت جرج بوش

این نامه در روزنامه واشنگتن پست
در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۲ بچاپ رسید.

--

جناب آقای جرج دبلیو بوش
رئیس جمهور محترم ایالات متحده آمریکا
خیابان پنسیلوانیا - شماره ۱۶۰۰
واشنگتن دی سی

پنجشنبه ۵ دی ۱۳۸۱

مقام محترم ریاست جمهوری:

در این روزها، زادگاه من شاهد لحظاتی بسیار حساس و تاریخی ست - لحظاتی که در بطن خود، آزادی و مردم سالاری و رفاه اقتصادی را به ۷۰ میلیون شهروندان ایرانی نوید می دهند.

تحقق چنین آرمانهایی، بیش از هر چیز، مدیون جرات و دلیری ایرانیانی ست که از پیر و جوان گرفته تا زن و مرد، از ظلم و استبداد بستوه آمده و پنجه در پنجه نظامی افکنده اند که با دعوی تاییدات الهی، حامی و مسئول بخش بزرگی از شرارت های منطقه ای و بین المللی ست.

خواست‌های هم‌میهنان من برای دستیابی به حکومتی عرفی و مردم‌سالار، از طریق جنبشی ملی و خودجوش به پیش می‌رود - جنبشی که رزم‌آرائی خود را بر مبنای نافرمانی مدنی و مبارزهٔ بدور از خشونت، پایه‌ریزی کرده‌است. این مبارزات اهرم‌های قدرت رژیم را فلج می‌کنند که بزودی، در برابر خواست اکثریت قریب به اتفاق جامعهٔ ایرانی، یعنی یک همه‌پرسی آزاد و عادلانه، چاره‌ای جز تسلیم نخواهد داشت.

در این تلاش آزادیخواهانهٔ ملی، مردم ایران، متأسفانه تا حد زیادی، تنها و بی‌پناه هستند. جز پیام‌های همدردی که بطور متناوب از دولتمردان و اشنگتن شنیده می‌شود، دنیای آزاد در برابر ظلم و ستمی که در ایران حکمفرماست، سکوت اختیار کرده‌است - سکوتی که دامنگیر مدافعان حقوق بشر هم شده‌است - سکوتی که برای اتحادیه اروپا هم خوشایندست - اتحادیه‌ای که منافع اقتصادی را صراحتاً بر حقوق انسانی ترجیح می‌دهد - سکوتی که الگوها و معیارهای جانبداران حقوق مدنی را به محض آنکه مسئلهٔ ایران و ایرانی مطرح می‌شود، تغییر و تنزل می‌دهند.

آقای رئیس‌جمهور، شما تفاوت مردم آزادمنش ایران را با حکومت منفور آن به نیکی تشخیص داده‌اید. ضمناً، شما پس از رویداد تلخ ۱۱ سپتامبر، جهانیان را به شفافیت اخلاقی دعوت کردید.

در پاسخ، مردم ایران لحظه‌ای درنگ نکردند تا صدای خود را در محکوم کردن پلیدی، در مردود شناختن تروریسم و انزجار از این نظام حاکم که اولویتش ترویج نفرت و ایجاد تفرقه در درون و بیرون مرزهای ایران است، به گوش جهانیان برسانند. صحنهٔ خیابان‌های ایران، روزانه مملو از جانفشانی و فداکاری شهروندانی است که برای دستیابی به حقوق حقهٔ خود - برای بازیابی حیثیت خود و برای آزادی و آینده‌ای روشن‌تر، متهورانه تلاش می‌کنند.

اما، امریکا تا کنون پاسخی شایسته و درخور مبارزات ملت آزادیخواه ایران، نداده‌است.

- محدودیت‌های مسافرتی:

همان ایرانیانی که بدرستی، به آزادمنشی و آزادیخواهی توصیف می‌شوند، در زمانیکه به منظور دیدار عزیزان و بستگان‌شان، به اخذ ویزای امریکا اقدام می‌کنند، با رفتاری خصمانه و سرزنش‌آمیز روبرو می‌شوند که باعث دل‌سردی و دل‌شکستگی آنان می‌شود.

وقتی که ایرانیان، از زبان پدر بزرگها و مادر بزرگهای خود می شنوند که به هنگام ورود به خاک امریکا، از آنان تصویربرداری و انگشتنگاری شده و با آنان به نحوی تحقیرآمیز رفتار می شود، در عین حال، وقتی که عمال سرسپرده و شناخته شده رژیم ملایان، آزادانه و به دفعات بین واشنگتن و نیویورک و لس آنجلس، و آنهم اغلب با مصونیت کامل دیپلماتیک، در مسافرت و آمد و شد هستند، پیامی نادرست از بطن این سیاست های غلط در اذهان ایرانیان آزادمنش تداعی می شود.

- تبعیض:

در هفته گذشته، با وجودیکه بسیاری از ایرانیان، داوطلبانه از درخواستی که از جانب اداره مهاجرت امریکا برای ثبت نام اتباع خارجی صادر شده بود، پیروی کردند، تعداد بی شماری از آنان بازداشت و مورد بی احترامی و بدرفتاری قرار می گیرند و هم اکنون نیز، برخی از آنان، احتمالاً با حکم اخراج مواجه هستند. این رفتار، موجب خشم و دل آزردهگی جامعه مهاجر ایرانی شد - جامعه ای که از دست رژیمی به سواحل امریکا پناه آورده است که بویی از آزادی و حقوق انسانی و مدنیت نبرده است.

زمانیکه ۱/۵ میلیون مهاجر سازنده و قانونمند ایرانی، با چنین تبعیضی، آنهم در سرزمینی که زادگاه آزاداندیشانی چون آبراهام لینکلن و مارتین لوتر کینگ بوده است، مواجه می شوند، پیامی نادرست از بطن این سیاست های غلط در اذهان ایرانیان آزادمنش تداعی می شود.

- آزادی یا موسیقی؟

در روزهای اخیر، ایرانیان، در کنار مسرت ملایان حاکم، دریافتند که دولت امریکا، برنامه های «رادیو آزادی» را به پایان برده و «رادیو فردا» را جایگزین آن کرده است - رادیویی که باید مروج اخبار شفاف، تفسیرهای اندیشمندانه و میزگردهای روشنگرانه - یعنی مطالبی که فراخور جو سیاسی امروز ایران باشد، برنامه های خود را معطوف به موسیقی پاپ کرده است.

بر طبق گزارشها، این تصمیم بر مبنای تغییری مشابه پایه ریزی شد که چندی پیش، در برنامه های رادیویی مختص کشورهای عربی، انجام گرفت. برخلاف آنچه که این تصمیم گیرندگان تصور می کنند، و برخلاف آنچه که در کشورهای همسایه ایران می گذرد، ایران امروزه بستر جوشنده ای از فعالیت های سیاسی ست که زیربنای جنبش مردم سالاری ست. اضافه بر این، پس از یک تجربه ۲۴ ساله - تجربه ای بی سابقه و دردآور در زیر یوغ یک حکومت دین سالار، هم وطنان من به درجه ای از بلوغ سیاسی

رسیده‌اند که تشنگی آنان را تنها با راست‌گوئی و روشن‌گری می‌توان سیراب کرد و نه با موسیقی پاپ.

زمانیکه شش‌صدهزار ایرانی دگراندیش در زندانهای رژیم گرفتار شده‌اند و هم‌وطنانشان، چه در درون مرز و چه در اردوگاههای پناهندگی اروپا، دست از مبارزه برنمی‌دارند، چگونه می‌توان پیام همدردی و آزادمندی را با موسیقی پاپ جایگزین کرد؟ در واقع، پیامی نادرست از بطن این سیاست‌های غلط در اذهان ایرانیان آزادمنش تداعی می‌شود.

جناب آقای رئیس‌جمهور، نسیم دگرگونی، با شدتی روزافزون، به سرتاسر زادگاه من می‌وزد. هم‌میهنان من در یک چهارراه حیاتی در تاریخ کشور خود قرار گرفته‌اند. ایرانیان، خواستار و شایسته همان الگوهائی هستند که دنیای آزاد برای شهروندان خود تضمین کرده است و به کمتر از آن معیارها تن در نخواهند داد.

زمان آن فرا رسیده‌است که امریکا با صدایی منسجم‌تر و سیاستی نمایان‌تر از آزادیخواهان ایرانی پشتیبانی کند - آزادیخواهانی که بدست خود، ایران را از چنگ تنها حکومت دین‌سالار جهان رها خواهند کرد. پشتیبانی معنوی اخیر و بسیار به موقع شما از این جنبش آزادیخواهان بدور از خشونت، زمانیکه با سیاست‌های آشکار و ملموس در آمیزد و هیچ امکان و روزنه‌ای برای دلجوئی از رژیم ملایان یا دل‌شکستگی و دل‌سردی مردم ایران باقی نگذارد، به نحو بسیار مطلوبی، به روند تاریخ در زادگاه من تاثیر خواهد گذارد.

با بهترین آرزوها،

رضا پهلوی